

چهل حدیث نبوی (ص)

- * با ترجمه منظوم فاضل دانشمند آقای هادی حایری مدیر کل وزارت فرهنگ *
- ۱- حب الی من دنیاکم ثلاث - النساء والطیب وجعت قره عینی الصلواة هست مرا درسه چیز قوت دل و جان مهر زنان بوی خوش - پرستش بزدان
 - ۲ - انما بعثت لاتهم مکارم الاخلاق .
 - ۳ - ارجبکم الی الله احسنکم اخلاقا .
 - از همه نزدیکتر بنزد خدا کیست آنکه نکو خوی تر چو پسته خندان
 - ۴ - رأس العقل التوود الی الناس ۵ - حب الوطن من الایمان .
 - از خرد پاک زاده یاری همنوع دوستی و مهر میهن است زایمان
 - ۶ - الکاد علی عیاله کالمجاهد فی سبیل الله .
 - هر که کشد بار رنج خویش و تبارش اوست مجاهد براه داور سبحان
 - ۷ - الجنة تحت اقدام الامهات .
 - مرتبت مادران ز عرش فزون است خلد برین زیر گام دارند ایشان
 - ۸ - نعمة الجاهل روضة، فی مزبله ۹ - لا فقر اشد من الجهل .
 - نعمت نادان چو گلشنی است بگلخن نیست کسی بینوا چو مردم نادان
 - ۱۰ - العلماء ورثة الانبياء ۱۱ - النظر الی وجه العالم عبادة .
 - ارث پیغمبر رسد بمردم دانا دیدن دانا بود پرستش رحمان
 - ۱۲ - طالب العلم فريضة علی کل مسلم
 - حکم خدا در فرا گرفتن دانش واجب عینی است از برای مسلمان
 - ۱۳ - الحكمة ضالة المؤمن .
 - کوش که راز نمان بیابی زیرا کم شده مؤمن است حکمت پنهان
 - ۱۴ - العلم فی الصغر كالنقش علی الحجر .
 - ۱۵ - لو ان هذا الدين فی الثريا لئالنه رجال من فارس .
 - گر بود این دین بر آسمان، برسندش مردمی از خاکدان پارس چو مسلمان

۱۶ - من سعادة الرجل المسلم الولد الصالح والزوجة الصالحة والسكنى الواسع والمرکب الهين .

کامروا از چهار چیز شود مرد بیشتر از این چهار نیست بدوران
جایکه دلکشا و مرکب رهوار همسر نیکوی و پور صالح شایان

۱۷ - علامة رضاء الله فى خلقه عدل سلطانهم و رخص اسعارهم .

لطف خدارا بمردمان دو نشانی است پادشاه داد بخشش و روزی ارزان

۱۸ - افضل الجهاد كلمة حق بين یدی سلطان الجابر .

يك سخن حق به پیش میر ستمگر باشد برتر جهاد در ره یزدان

۱۹ - من اعان ظالما سلطه الله علیه .

باور بیداد گر مشو که بفرجام هم شوی از وی زبون و بیسرو سامان

۲۰ - الحب من الله والبغض لله .

از پی خشنودی خداست نه مردم دوستی و کین رهروان خدا خوان

۲۱ - احشو فى وجوه المداحين التراب .

دور ز بیهوده گوشوید و بیاشید خاک بروی و سر مدیحه سرا بیان

۲۲ - كن بشاشاً فان الله يحب البشاشين و يبغض العبوس كرهه الوجه

باش هماره گشاده چهره که ایزد دوست نکردهد بترشروی کرانجان

۲۳ - من اكل كدیده حلالا فتح الله له ابواب الجنة يدخل من ايها شاء

هست برویش در بهشت گشاده مردی کز دسترنج خویش خوردنان

۲۴ - اللهم هب للمشقق خلفا و للممك تلقا

بار خدا یا فزون بده بدهشکار نیز بممک رسان زیان فراوان

۲۵ - ان اخوف ما اخاف على امتى اتباع الهوى وطول الامل .

بر دو صفت بیمناک امت خویشم پیروی نفس و آرزوی بحد و پایان

۲۶ - عدل ساعة خير من عبادة سبعين سنة .

داد گری ساعتی بدرکه دادار به که بهفتاد سال طاعت فرمان

۴۷ - الدال علی الخیر کفاه .

رهبر نیکی است چون کننده نیکی در شرف و رتبه اند هر دو بیکسان

۴۸ - ارادل موتاکم العزاب ۴۹ - لارهبانیه فی الاسلام .

مردۀ شوم آنکه همسری نگزیده است نیست در اسلام زندگانی رهبان

۴۰ - الصّحة والفراغ نعمتان مکفورتان .

نعمت آسایش و درستی تن را نیست کس آگه مگر جو باید نقصان

۴۱ - سید القوم خادمهم .

از همگان برتر است و بر همه سرور آنکه کند بنده وار خدمت اقران

۴۲ - من صلی باللیل حسن وجهه بالنهار .

شب چو نماز آوری بدر که باری روز شود روی تو چو آینه تابان

۴۳ - اول ما خالق الله العقل .

آنچه نخست آفریده گشت زهستی هست خرد و از خرد پدید شد اعبان

۴۴ - من وقر ذاشیبة لشیبته آمنه الله من فزع يوم القيمة .

حرمت پیرای جوان بدار نکه تا روز شماریت بود خدای نگهبان

۴۵ - سافروا تغنموا .

سود برید از سفر سفر بگزینید زندگی سخت را سفر کند آسان

۴۶ - علموا اولادکم السباحة و الرمی .

یاد بنو باوگان دهید که دانند تیر زنی و شنا و ورزش و چوگان

۴۷ - من تواضع لله رفعه الله .

آنکه برای خدا فروتن خلق است پایکش را بر دز رتبه بکیوان

۴۸ - اذا اتاکم کریم قوم فاکرموه .

سرور بخشنده می گر آیدت از در جان برهش کن نثار از سر احسان

چهل حدیث

۳۹ - ما من احد یشاور احداً الا هدی الی الرشده .

مشهورت از دیگری گره بگشاید شور کند بر تو راه راست نمایان
 اشاره به حدیث من حفظ علی امتی ار بین حدیثاً الی آخر ،
 ۴۰ - ان من الی بیان لسحراً .

(هادی) از این چهل حدیث داد سخن داد

سحر حلال است گفته های سخشن دان

روح دمد این چل حدیث بهر جسم

حفظ کنش ز آنکه هست حرز تن و جان

(پایان)

کتابخانه مدرسه فیضیه قم

